



Questionnaire1

پرسشنامه وان - مرجع پرسشنامه ایران

ضمیمه‌ی شماره‌ی یک: پرسشنامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری

به نام خدا

خواهشمند است پس از مطالعه‌ی هر مورد، میزان موافقت خود را درباره‌ی آن مورد ذکر
نمایید و دور عدد مناسب یک دایره رسم کنید.

پرسشنامه محیط خانوادگی

- ۱- من اجازه دارم هر وقت دلم خواست از منزل بیرون بروم.
- ۲- من می‌توانم به هر کجا که دلم خواست بروم، بدون اینکه اجازه بگیرم.
- ۳- اگر به موقع، سر غذا خوردن حاضر نشوم، پدر و مادرم با من دعوا نمی‌کنند.
- ۴- من هر نوع لباسی که بپوشم آنها مخالفت نمی‌کنند.
- ۵- من اجازه دارم که هر وقت خواستم دوستانم را به منزل خودمان ببرم.
- ۶- پدر و مادر در انتخاب دوستانم دخالت نمی‌کنند.
- ۷- من خیلی راحت می‌توانم با عقاید پدر و مادرم مخالفت کنم.
- ۸- پدر و مادرم اگر مرا عصبانی کنند جوابشان را می‌دهم.
- ۹- اگر بدون انجام کارهایی که از من خواسته‌اند از منزل خارج بشوم والدینم ناراحت نمی‌شوند.
- ۱۰- والدینم به سادگی کارهای بد مرا می‌بخشند.

- ۱۱- اغلب پدر و مادرم می‌گویند که اگر فلان کار را نکنی چنان و چنین می‌کنم ولی بعد یادشان می‌روند.
- ۱۲- اغلب آنها راجع به طرز لباس پوشیدن نصیحت‌هایی می‌کنند ولی اگر گوش نکنم کاری نمی‌کنند.
- ۱۳- وقتی درس‌هایم را نخوانده باشم باز می‌توانم به بازی با دوستانم مشغول باشم و پدر و مادرم ایرادی نمی‌گیرند.
- ۱۴- پدر و مادرم بارها گفته‌اند که با چه کسانی باید دوست شد ولی اگر گوش نکنم چندان ناراحت نمی‌شوند.
- ۱۵- والدینم از من می‌خواهند که هر چیزی را که در بیرون اتفاق افتاده برایشان شرح دهم.
- ۱۶- از دیگران راجع به کارهای من در بیرون از منزل می‌پرسند.
- ۱۷- دوستان مرا در حقیقت پدر و مادرم انتخاب می‌کنند.
- ۱۸- پدر و مادرم انتظار ندارند که من با کسی دعوا کنم.
- ۱۹- آنها دوست ندارند که من عصبانی شوم.
- ۲۰- اگر با برادر یا خواهرم اختلافی پیدا کنم به جای دعوا کردن باید پیش پدر و مادر بروم.
- ۲۱- وقتی که من نصیحت آنها را گوش ندهم خیلی رنجیده خاطر می‌گردند.
- ۲۲- وقتی که من حرفشان را گوش نکنم آنها احساس می‌کنند که من ناسپاس هستم.
- ۲۳- همیشه به من می‌گویند که چکار باید بکنم و چکار نباید بکنم.
- ۲۴- پدر و مادرم دوست دارند که تمام کارهای مرا کنترل کنند.
- ۲۵- من و خواهر و برادرم در هر کاری باید اول با پدر و مادرمان مشورت کنیم.
- ۲۶- پدر و مادرم در طرز رفتار من با سایر اعضای خانواده خیلی دقیق هستند.
- ۲۷- در انتخاب رشته تحصیلی والدین اصرار دارند که رشته بخصوصی را انتخاب کنم.

- ۲۸- من در همه موارد به سادگی می توانم پیش بینی کنم که چه رفتاری مورد خشم و کدام رفتار مورد تشویق آنان قرار خواهد گرفت.
- ۲۹- اگر کاری باعث شود که مرا تنبیه یا تشویق کنند خواهر و یا برادرم نیز به همان علت می توانند تنبیه و یا تشویق گردند.
- ۳۰- پدر و مادر فکرم می کنند اگر بچه را به حال خودش بگذارند بد راه می شود.
- ۳۱- والدینم اگر تهدیدی بکنند آن را عمل می کنند.
- ۳۲- بین پدر و مادرم از نظر تربیت بچه ها اختلاف نظر چندانی وجود ندارد.
- ۳۳- اگر یکی از والدین با من دعوا کند دیگری دخالتی در جلوگیری از آن نمی کند.
- ۳۴- وقتی درسها یا کارهای دیگر خود را به اتمام می رسانم آنها رضایت خود را نشان می دهند.
- ۳۵- در منزل ما همه باید وسایل خود را سر جای خود بگذارند.
- ۳۶- پدر و مادرم برای من امکانات فراهم می کنند تا بتوانم به کارهای ذوقی و مورد علاقه ام بپردازم.
- ۳۷- وقتی من به حرف پدر و مادرم گوش نمی دهم آنها به من می فهمانند که از من راضی نیستند.
- ۳۸- وقتی دستور آنها را اجرا نکنم مرا تهدید به تنبیه های مختلف می کنند.
- ۳۹- وقتی از دست من ناراحت شوند مرا کتک می زنند.
- ۴۰- وقتی از من بخواهند که کاری انجام دهم مجبورم فوراً اطاعت کنم.
- ۴۱- اگر حرفشان را گوش نکنم محبت خود را از من دریغ می کنند.
- ۴۲- وقتی دستور آنها را اجرا نکنم یک چیزی را که دوست دارم سعی می کنند به من ندهند.
- ۴۳- وقتی ناراحتی خود با پدر و مادرم در میان بگذارم آنها کاری می کنند که احساس آرامش کنم.

- ۴۴- وقتی غمگین و ناراحت هستم پدر و مادرم با من احساس همدردی می کنند.
- ۴۵- گاهی فکر می کنم آنهایی که پدر و مادر ندارند چقدر تنها و بی پناه هستند.
- ۴۶- والدینم اغلب در هر موردی مرا تشویق می کنند.
- ۴۷- والدین من اغلب از کارهای خوب من حرف می زنند.
- ۴۸- در گفتگوهای خانوادگی و فامیلی از بعضی کارهای من بعنوان شیرین کاری و خاطره خوش تعریف می کنند.
- ۴۹- پدر و مادرم از حرف زدن با من راجع به چیزهای مختلف لذت می برند.
- ۵۰- از اینکه با هم بعضی کارهای منزل یا حیاط را انجام دهیم خوششان می آید.
- ۵۱- وقتی قرار باشد کاری بکنیم یا جایی برویم نظر مرا هم می پرسند.
- ۵۲- تقریباً همیشه با من با یک لحن گرم و محبت آمیز حرف می زنند.
- ۵۳- اغلب با قیافه بشاش با من برخورد می کنند.
- ۵۴- اغلب چیزهایی که مرا خوشحال می کند برایم می خردند.
- ۵۵- پدر و مادرم مرا خیلی دوست دارند.
- ۵۶- با دوستان من خیلی با محبت رفتار می کنند.
- ۵۷- پدر و مادرم اغلب سعی می کنند نظرات و عقاید مرا نیز بشناسند.
- ۵۸- من و پدر و مادرم راجع به مسائل مختلف با هم بحث می کنیم.
- ۵۹- من و والدینم حدود انتظارات یکدیگر را دقیقاً می دانیم.
- ۶۰- پدر و مادرم اغلب علت مراعات مقررات منزل را توضیح و تشریح می کنند.
- ۶۱- آنها بعضی اوقات می گویند که احمق و نفهم هستم.
- ۶۲- اگر با کسی اختلاف پیدا کنم حتماً فکر می کنند که من مقصر هستم.
- ۶۳- تا به حال یک بار هم نشده که از من تعریف کنند.
- ۶۴- اغلب به من سرکوفت دیگران را می زنند.
- ۶۵- وقتی دم دستشان نباشم که کمکشان کنم خیلی زود عصبانی می شوند.

- ۶۶- وقتی در منزل یا اطراف آن سر و صدا ایجاد کنم خیلی عصبانی می‌شوند.
- ۶۷- پدر و مادرم منتظرند که یک اشتباه بکنم تا سرم داد بکشند.
- ۶۸- وقتی پیش آنها باشم باید سعی کنم کوچکترین مزاحمتی ایجاد نکنم والا مرا دعوا خواهند کرد.
- ۶۹- طوری با من رفتار می‌کنند که انگار من مزاحم آنها هستم.
- ۷۰- اغلب خوشحال می‌شوند که دقایقی هم که شده از شر من راحت شوند.
- ۷۱- همیشه از زندگی شکایت می‌کنند که چرا من نصیب آنها شده‌ام؟
- ۷۲- آنها حتی از دوستان من هم خوششان نمی‌آید.
- ۷۳- چیزهایی که لازم دارم اغلب یادشان می‌رود که بخرند.
- ۷۴- آنها اهمیتی به وضع لباس من نمی‌دهند و علاقه‌ای ندارند که یک لباس خوبی بپوشم.
- ۷۵- با من زیاد حرف نمی‌زنند.
- ۷۶- پدر و مادرم گاهی فراموش می‌کنند که من کلاس چندم هستم و یا چند سال دارم.
- ۷۷- در هیچ کاری مرا شرکت نمی‌دهند.